

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

نویسنده: رضا خسروی
فرستنده: گاهنامه هنر و مبارزه
۱۸ جون ۲۰۱۵

تنش در خرگاه ولایت

در حاشیه سخنان اخیر روحانی در باره خیانت سردمداران رژیم «اسلامی»!

شیخ حسن روحانی، در آستانه نوعی توافق جامع میان دولت «امید و تدبیر»! با سران سلاطین، گروه ۵+۱، شامل دول امپریالیستی معارض: امریکا و انگلیس و فرانسه و روسیه و چین + المان، برسر جزئیات «مسأله هسته ئی ایران»! آتشی به پا کرد که نگو. اهلی ولایت از کوره در رفت، قیامت کرد، به سیم آخر زد. این شیخ «پاک دامن»! عمامه درید، قشقرقی به راه انداخت که نپرس. مثل این که روحانی، در سخنان اخیر خود، همه را لو داد، اصلاً سنگ تمام گذاشت. ملای «طاهر»! به نحوی علی خامنه ای، خاتمی، احمدی نژاد، صالحی و سپاه را متهم به خیانت در حق مردم کرد. پس بیخود نبود که «ناگهان»! قیمت واجبی در ایران بالا رفت، در تهران و حومه نایاب شد. بیچاره امامی...

حال بشنوید از رئیس دولت «امید و تدبیر»! که بعد از کلی وراجی به سود سرمایه های خارجی، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول... حتا مقام شامخ رهبری را به چالش می کشد تا نشان دهد که بیت ولایت نرمش پذیر، مشکلی با حضور مجدد میراث خواران استعمار کهن در ایران ندارد. محافل مالی و امپریالیستی، خاصه امپریالیسم امریکا و شرکاء را قانع کند که جای نگرانی نیست. خیالتان راحت باشد. سرکوب خلق، اختناق کارگران فضول، روشنفکران ملی و مترقی و کمونیست، مهار دشمنان مشترک در سراسر ایران تأمین، دولت «عمامه و نعلین»! بر اوضاع مسلط است. می فرماید: این که می گوئیم که تحریم های ظالمانه از بین بروند، برخی چشم خود را بیخود نچرخانند، تحریم ها باید از بین بروند، تا سرمایه گذار به کشور بیاید، باید سرمایه گذاری انجام شود تا مشکلات مالی و بانکی مردم حل شود. نقل از مجله هفته، ۱۸ خرداد [جوزا] ۱۳۹۴ خورشیدی. مزدگانی که گل از غنچه برون می آید...

ناگفته نماند که جوهر کلمات قصار ملا حسن روحانی... با بوی تند دیوان رضاخانی، دربار پهلوی، بوی گند رژیم کودتا در دوران منقضي، برای ما ایرانیان «مرتد»! ملی و مترقی و کمونیست، اصلاً تازگی ندارد. حاوی یک نظریه ارتجاعی، رویکرد دیر آشنا، شاهنشاهی – امپریالیستی است. حکایت از سیاست درهای باز در دوران استبداد کهن دارد/ که انقلاب بهمین را به دنبال آورد...

می رساند که رژیم «اسلامی»! با هر ترکیبی از دولتمردان «متدین»! اصولگرا یا اصلاح طلب، فاقد عقل و شعور لازم برای درک مشکلات جاری، مسائل اقتصادی و اجتماعی در دوران معاصر، درک چگونگی باز آفرینی زیست جمعی... بکلی از نفس افتاده، مدت هاست که خود خوری می کند، پا در هواست.

سویا عذر موجه خواجه شیراز، همه می بینند که استبداد « ذوالفقاری »! مثل استبداد آریامهری، اهمیتی به نیازهای فوری و مصرفی جامعه نمی دهد، به فکر رفاه مادی و معنوی مردم ایران نیست. هیچ راه حلی برای رفع مشکلات مردم، نابسامانیها، معضلات قدیمی و جدید، بیکاری انبوه، تورم، فقر و تنگدستی کارگران، فرودستان شهری و روستائی، کاهش مستمر مزد، قدرت خرید همگانی، افزایش سرسام آور قیمتها... ندارد. بورژوازی « اسلامی »! گیج و بی رمق، هرچه زور می زند، کاری از پیش نمی برد. با قسم و آیت، بگیر و ببند... به جایی نمی رسد. نمی تواند اشتغال ایجاد کند. مبادله کار و سرمایه برای ایجاد اضافه ارزش را سازمان دهد. مخارج گزاف خرگاه ولایت، بازآفرینی خویشتن خویش را تضمین نماید.

ولایت قبیح، آویزان به « بیضه اسلام »! خوار و منزوی در میان مردم ایران، منفور کارگران، کارمندان دون پایه، کشوری و لشگری، شاغل و بیکار و بازنشسته، دانشجویان، دختر و پسر، معلمان و محصلان و پرستاران... از همه طرف در محاصره خلق، انبوه فرودستان « پرتوقع »! هیچ چاره ای ندارد جز این که استقلال صوری خود را هم رها کند، به سمت روابط پادو - شاهی خرغلط بزند، درست مثل دربار سرسپرده پهلوی، دست از پا دراز تر، ایران فروشی در پیش گیرد. نگران انتقام سخت مردم... هیچ چاره ای ندارد جز این که به ساز میراث خوران استعمار کهن برقصد، با امپریالیسم امریکا و شرکاء هم آغوشی کند.

وراجی مشعشع حسن روح - آنی در این راستاست. گواهی می دهد که پای منافع ستراتیژیک، آزادی و استقلال ملی، تداوم زیست جمعی یک خلق واحد، با انواع تعلقات قومی و تباری متفاوت، در جغرافیای سیاسی ایران در میان است. در این ارتباط، روحانی بزدل تر از آنست که خطر کند، آلوده تر از آنست که سخنگوی مردم ایران باشد. امروز مثل دیروز، ستراتیژی خرگاه ولایت در اوضاع و احوال جاری را نمایندگی می کند.

رئیس دولت « امید و تدبیر »! به نظر من با موافقت قبلی خرگاه ولایت است که خود را « طاهر »! تافته ای جدا بافته قالب می کند. گواینکه حسنک، آشکار و نهان، در تمام گند کاری های شرعی، سلاخی های نوبتی « نظام عمامه و نعلین »! در این ۳۵ سال اخیر نقشی فعال و مؤثر داشته است. تردید ندارم که شیخ رام، بدون مجوز حرف نمی زند، زیادی نمی خورد، داد و قال به راه نمی اندازد. من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم...

پرخاش روحانی در سخنرانی اخیرش، در ارتباطی تنگاتنگ با مصلحت خرگاه ولایت قابل فهم است. حسنک می فرماید: کسانی که باعث ایجاد این تحریم ها شدند، در حق مردم خیانت کرده اند. عجب! آمدی جانم قربانت، ولی حالا چرا؟ و در عبارت بعدی: برخی در آغاز نمی دانستند که این تحریم ها چه عواقبی دارد. یعنی کشک. خودتی آقای روح - آنی.

سابقه خیانت میراث خواران ریز و درشت خمینی معدوم در حق مردم، از جمله ملا حسن روحانی، تازگی ندارد. خیر، سوء استفاده حضرات از اعتقادات مذهبی مردم ایران در شرایط « اضطراری »! برکسی پوشیده نیست. ترفند باند خمینی، معمم و مکلّا، برای مصادره انقلاب همگانی بهمن به سود مالکان و اربابان و سرمایه داران وطنی را همه می شناسند...

پرخاش روحانی در سخنرانی اخیر متوجه این خیانت اصلی، متوجه خیانتکارانی از این دست نیست. حسنک تکمیل این خیانت اصلی، استمرار تسلط خیانتکارانی از این دست بر سرنوشت مردم ایران، همدستی عریان با میراث خواران استعمار کهن، هم آغوشی آشکار با امپریالیسم امریکا و شرکاء را در مد نظر دارد. مطلوب انقلاب نیمه کاره بهمن، آزادی و استقلال ایران را نشانه گرفته است.

این است که شیخ رسوای وطنی، نگران فرجام معامله ای محرمانه، مذاکرت جاری با گروه ۱+۵، توافق جامع با دول امپریالیستی معارض برسر آزادی و استقلال، حقوق و اختیارات ملی کشور ما، برسر « مسأله هسته ئی ایران »! داد و

قال می کند، عربده می کشد، با وارونه کردن حقایق مسلم، انداختن مسئولیت تحریم های غیر قانونی به گردن رقیبان داخلی « که باعث ایجاد تحریم ها شدند »! از سیر تا پیاز، بیشمارانه تمام دروغ های « سازمان انرژی اتمی »! تمام تصمیمات حدس و گمانی، اراجیف آقای « شورای امنیت »! چرنوبیل امپریالیسم امریکا و شرکاء را به رسمیت می شناسد. بدون هیچ دغدغه خاطر، بازی های استعماری حضرات، میلیتاریسم کور و افسار گسیخته پنتاگون، کشور گشائی « متمدن ها »! قلدری، ماجراجوئی های نظامی اروپای غربی و امریکای شمالی، تجاوزات امپریالیستی آشکار، آدم کشی در ملاء عام، سرقت مسلحانه در مناطق دور و نزدیک، بیگانه ستیزی، اشغالگری های نوبتی سازمان تروریستی ناتو در دو سه دهه اخیر را تأیید می کند. نوعی باج « اسلامی »!

پس برای خالی نبودن عریضه است که این ملای « طاهر »! قمیز در می کند، لاف مقاومت می زند، موهوم بخورد افکار عمومی می دهد. حسنگ می فرماید: وقتی می گوئیم تحریم ها برداشته شود، به این معنا نیست که در مقابل دشمن تسلیم شویم... جل الخالق! حسن آقا، شما چرا به خودتان زحمت می دهید؟ با اینهمه « مشغله سنگین شرعی »! بگیر و ببند، تفیش و تعقیب و توقیف، کنترل زندان های آشکار و نهان، شکنجه و اعدام های مکرر... حتی فرصت شاشیدن هم ندارید. حسن آقا و تسلیم، چه حرفها. پس تکلیف امنیت روزانه خرگاه ولایت چه می شود...

چگونگی برآمد « آیات عظام »! باند خمینی در جغرافیای سیاسی ایران، گرچه کلی اهمیت دارد، فعلاً مورد بحث من نیست. معذالک، باند خمینی، به هر دلیل، بازی را برد، بر خر مراد سوار شد. رژیم « اسلامی »! به دنبال مصادره انقلاب همگانی بهمن، مصادره پیروزی بزرگ مردم ایران در قبال استبداد کهن به نام « خدا و رسول »! به سود مالکان و سرمایه داری پشت پرده... با همدستی آشکار شرکت سهامی « جبهه ملی »! بنگاه کارچاق کنی غلام یحیی موسوم به « حزب توده »! همراهی اقشار میانی، سرخورده ها، ورشکسته ها... رقم خورد.

استقرار سیاسی این رژیم بورژوا – آخوندی، با احتساب دوران تجاوز نظامی دولت بعثی عراق با تحریک ناتو چیها، امپریالیسم امریکا و شرکاء، دهسالی به درازا کشید. نوبت به بازسازی اقتصادی برای تأمین هزینه های گل و گشاد استبداد نو ظهور شرعی در بستر مالکیت خصوصی متداول، تقسیم کار جاری و امپریالیستی، شیوه سرمایه داری تولید و مبادله... رسید – دولت « سازندگی »! پای دوام رژیم « اسلامی »! در میان بود و نه تغییر مناسبات اقتصادی و اجتماعی جاری و مسلط به سود مردم ایران. با این حساب، با توجه به ماهیت قابل فهم رژیم « اسلامی »! بورژوا – آخوندی، یک راه بیشتر وجود نداشت: تمدید تمام قراردادهای عهد کهن، تأیید توافقات آشکار و نهان پهلوی، یعنی زد و بند های محرمانه، نوعی همدستی « حلال شرعی »! با محافل مالی و امپریالیستی، خاصه با امپریالیسم امریکا و شرکاء برای حضور رسمی در بازار بین المللی. تردستی که نیست. حال تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل...

رضا خسروی